

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و برزنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

علی صدارت

۲۶ جولای ۲۰۱۹

مروری بر اعلام نخست‌وزیری بوریس جانسن در بریتانیای "کبیر"

دقیقی پیش، نتیجه رأی‌گیری برای مقام نخست‌وزیری در بریتانیای "کبیر"، منتشر شد. بوریس جانسن، وزیر خارجه سابق در حکومت تریسا می، و شهردار اسبق لندن، با ۱۵۳۹۲ رأی، یعنی دوسوم رأی‌دهندگان در حزب محافظه‌کار، انتخاب شد و فردا چهارشنبه ۲۴ جولای ۲۰۱۹ کار خود را رسماً به عنوان نخست‌وزیر بریتانیا شروع خواهد کرد. این رأی‌گیری، پیش از موعد مقرر و به علت استعفای تریسا می در تاریخ ۲۴ ماه می ۲۰۱۹ یعنی بعد از ۳ سال نخست‌وزیری، برگزار گردید.

نقل چند نکته آماری در این انتخابات، خالی از اهمیت نیست.

در مورد "دموکراسی" در بریتانیا کافی است به این نقل قول رجوع شود که برای این که بالاترین مقام اجرایی کشورشان چه کسی باشد، که نه تمام مردم بریتانیا، بلکه گفته شد که فقط دو دهم درصد مردم این کشور برای تمام این کشور حق داشتند تصمیم بگیرند.

این روند، یک انتخابات عمومی در آن کشور نبود، یعنی بوریس جانسن را اکثریت مردم بریتانیا انتخاب نکردند. این انتخاب توسط کمتر از فقط ۱۶۰ هزار نفر، و آن هم فقط از اعضای حزب محافظه‌کار انجام شد. اکثر این رأی‌دهنده‌ها سنی بالاتر از ۵۵ سال دارند و از اقلیت متمول و ثروتمند هستند.

میزان مشارکت در رأی دادن، ۸۷٪ اعلام شد، و یکسوم رأی دهندگان، به جرومی هانت رأی دادند. هانت وزیر خارجه است و به احتمال زیاد یا توسط جانسن اخراج می‌شود و یا مانند بسیاری دیگری از وزرای کابینه تریسا می، به دلیل مخالفت‌های عمده با سیاست‌های بوریس جانسن، قبل از این که اخراج شود استعفاء خواهد داد.

از ویژگی‌هایی که عده‌ای برای دیپلمات‌های بریتانیا قائل بودند "باوقار" و "کارزماتیک" و "مودب" و و اینگونه بزرگنمایی‌ها شماره می‌شد. از امثال این ویژگی‌ها، در روش و منش بوریس جانسن خبری نبوده است، و این واقعیت در اولین سخنرانی وی بعد از اعلام نخست‌وزیری‌اش، کاملاً هویدا بود.

جانسن در نطق کوتاهی بعد از اعلام انتخاب شدنش مطالب جالبی را ابراز نمود:

وی اظهار کرد که در ۲۰۰ سال گذشته ما محافظه‌کاران بهترین عملکرد را داشته‌ایم. یادآور می‌شوم که میزان تخریب و خشونت و فساد که سیاست‌های استعماری بریتانیا در آن مدت داشته، از جمله سیاست نفتی و اقتصادی‌اش در میهن ما

و نقش اول آنها در کودتای ۲۸ مرداد [اسد]، از خورشید درخشان‌تر است، ضمن این که یادآور می‌شوم که سیاستهای حزب رقیب را هم به هیچ وجه نمی‌توان برپایه احقاق حقوق تحلیل کرد.

-جانسن سه نکته را در دستور کار خود به عنوان نخست‌وزیر اعلام کرد: ۱-اجراء کردن برگزیت، ۲-متحد کردن کشور، و ۳-شکست دادن جرومی کوربین(حزب کارگر)

در رفراندومی در تاریخ ۲۳ جون ۲۰۱۶ کمتر از ۵۲٪ مردم بریتانیا به خروج این کشور از اتحادیه اروپا، برگزیت، رأی دادند. این رفراندوم قمار بازنده‌ای بود که دیوید کامرون انجام داد. در مبارزات انتخابات عمومی بریتانیا در سال ۲۰۱۵، دیوید کامرون، اعلام کرد که در صورت انتخاب شدن به مقام نخست‌وزیری، در یک رفراندوم، نظر مردم کشورش را در مورد ماندن در اتحادیه اروپا و یا خروج از آن، خواهد سنجید. دیوید کامرون که خود مخالف خروج از اتحادیه اروپا بود، در واقع دست به یک قمار سیاسی زد که در آن قمار نه تنها خودش بازنده و مجبور به استعفاء شد، بلکه باعث شد که بریتانیا از هر سو، دچار طوفان‌های عظیم سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، و اجتماعی بگردد. کشوری که استعمارش را بر وطن ما و سایر کشورهای تحت سلطه‌اش، با سیاستهای کثیف در جهت بی‌ثبات کردن آن کشورها به پیش برده است، دچار بی‌ثباتی بی‌سابقه‌ای شده است، که به قول معروف آن سرش ناپیدا است! چاهکن، همیشه، در ته چاه است!

"آفتاب در سرزمین پهناور بریتانیای کبیر هرگز غروب نمی‌کند" عبارتی است که توسط قدرتمداران و سلطه‌گران، مرتب تکرار می‌شد. فقط در سالهای اخیر است که این پروپاگندا، معنای خود را از دست داده است.

در گذشته، مستعمراتی که این جزیره کوچک در دنیا داشت، آنقدر وسیع بود که در تمام ساعات شبانه‌روز، در مناطقی از این مستعمرات، که آنها را جزئی از خاک خود می‌دانستند، خورشید می‌درخشید. ولی در دهه‌های اخیر، این درخشش، فقط در قلمرو جغرافیائی نیست که به تاریکی رسیده است.

در قلمرو فرهنگی، این باور که "انگلیسها تا صد سال آینده هم وزیرهای ایران را مشخص کرده‌اند" فقط در افکار مردم ایران نیست که از یک مغز شویی "واقعیت" باورانده شده، به یک کمدی "دائی جان ناپلئونی" تبدیل شده است.

در قلمرو اقتصادی، سیاستهای تولیدمحور، جای خود را به اقتصاد خدماتی داد که این سیاستهای اقتصادی، از زمان مارگارت تاچر شدت گرفت. خبرهای فسادهای مالی و زردیهای کلان ولی "قانونی" این کشور، در نظام بانکی-پولی-مالی جهانی، در دهه‌های اخیر فراوان بوده‌اند، خدا می‌داند که ابعاد دزدی‌های افشاء نشده چه باشد! تحلیل بسیاری از اقتصاددانان این بوده است که آینده وخیمی در انتظار اقتصاد بریتانیا است. به خصوص اگر خروج بریتانیا در تاریخ ۳۱ اکتوبر ۲۰۱۹ بدون توافق مشخصی با اتحادیه اروپا باشد، شدت این وخامت بسیار بیشتر است.

در قلمرو نظامی، در روزهای اخیر، کارشناسان نظامی نظر داده‌اند که برای امنیت کشتی‌های حامل پرچم انگلیس در آبهای بین‌المللی، باید هر یک از آن کشتی‌ها را یک کشتی جنگی بریتانیا همراهی کند تا مسأله‌ای که چند روز پیش در تنگه هرمز اتفاق افتاد، تکرار نشود. ولی از طرف دیگر همین کارشناسان و تحلیل‌گران نظامی گفته‌اند که در این زمان، و با امکانات فعلی، چنین کاری غیرممکن است، و برای پاسداری از "منافع" بریتانیا، بودجه نظامی این کشور باید به ارقام بزرگی افزایش یابد.

داروی درد بی‌درمان اصیل دانستن قدرت و در نتیجه آن، اعتیاد به قدرت و قدرت‌مداری، اعمال قدرت و خشونت‌های نظامی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، و اجتماعی بیشتر، نیست. این بن‌بستی است که قدرت‌ها توانسته‌اند به علت انفعال مردم، به دنیا تحمیل کنند و بحرانی بعد از بحران دیگر را به بدن بیمار جامعه جهانی اضافه کنند.

گفت آن دارو که آنها کرده‌اند—آن عمارت نیست، ویران کرده‌اند!

می‌بینیم که این دیگر خیمه‌شب‌بازی سازوکارهای پویائی سلطه در دنیا، چقدر می‌تواند برای مردمی مانند ما، و برای کشوری مثل ایران، آموزنده باشد. چه علامت‌های دیگری از حوادث و اخبار دنیا در دهه‌های اخیر و از جمله انتخاب امثال بوریس جانسن و یا دونالد ترامپ، (به عنوان رهبران "ابرقدرت‌های" دنیا!) لازم است تا افول و ورشکستگی اندیشه در غرب دیده شود، که گفت: "تو که چراغ نیینی، با چراغ چه بینی!؟"

در تاریخ معاصر، هیچ زمانی به اندازه عصر حاضر، شرایط داخلی و خارجی، استقرار و استمرار و پیشبرد مردمسالاری در وطن ما فراهم نبوده است.

...